

بررسی آثار تحریم بر قراردادهای نفتی بین‌المللی

راحله سیدمرتضی حسینی^۱، آرزو ملک‌شاه^{۲*}

۱. ایران، تهران، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، کد پستی ۱۴۹۱۱-۱۵۷۱۹.

۲. ایران، تهران، دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی، کد پستی ۱۴۹۱۱-۱۵۷۱۹.

نویسنده مسئول ایمیل: amalekshah72@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

چکیده

یکی از ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای تحمیل خواسته‌ها و تأمین منافع یک کشور به کشور دیگر، استفاده از ابزار تحریم است. کشور صاحب‌نفوذ با همراهی سایر کشورها، با اعمال محدودیت‌هایی اهداف مدنظر خود را بر کشور دیگر تحمیل می‌کند. نمونه آن، وضعیتی است که با تحریم برخی کشورها در صنعت نفت ایران به وجود آمده است. یکی از پیامدهای این تحریم‌ها اثرگذاری آن بر قراردادهای نفتی بین‌المللی و خروج اجباری شرکت‌های نفتی بین‌المللی خارجی از ایران است. نفت ایران همواره به‌عنوان یکی از قطب‌های مهم تولید انرژی در معرض توجه بوده است؛ به‌ویژه آنکه تولید نفت در ایران به ابتکار سرمایه‌گذاری خارجی شروع شد. در این مقاله سؤال اصلی این است که تحریم چه آثاری بر قراردادهای نفتی به جا می‌گذارد؟ سرنوشت قرارداد پس از تحریم به چه شکل خواهد شد؟ در این مقاله تحریم را از منظر فورس ماژور و تغییر اوضاع و احوال بنیادین بررسی کرده و در پایان راهکارهایی برای برون‌رفت از این چالش ارائه شده است.

کلمات کلیدی: قراردادهای نفتی، تحریم، شرکت‌های نفتی بین‌المللی، فورس ماژور، تغییر بنیادین اوضاع و احوال.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر با افزایش مناقشات مربوط به فعالیت‌های انرژی هسته‌ای در ایران و اعمال چهار تحریم از سوی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، شاهد اثرات منفی آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران هستیم؛ به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع بالادستی نفت و گاز. دلیل بر این مدعا، تحقق نیافتن این هدف در بخش افزایش تولید نفت خام در برنامه توسعه چهارم است که طبق آن می‌بایست متوسط تولید نفت خام ایران در پایان برنامه سال ۱۳۸۸ به بیش از چهار میلیون و نهصد هزار بشکه در روز برسد که به‌علت نبود سرمایه‌گذاری لازم در این بخش، هدف برنامه محقق نشد [۱].

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران عامل دیگری است

که با افزایش هزینه مبادله و افزایش نااطمینانی در فضای سرمایه‌گذاری، تمایل سرمایه‌گذاران را علی‌رغم وجود سودهای شایان توجه تضمین‌شده به سرمایه‌گذاری و مشارکت در پروژه‌های بخش نفت و گاز ایران، کاهش داده است. یکی از اولین گام‌های ایالات متحده برای تحریم بخش انرژی ایران، محدود کردن میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی در صنعت نفت ایران بوده است. علاوه بر اعمال سقف سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران، ایالات متحده از طریق نفوذ خود در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، ایران را از دریافت وام‌های مؤثر بلندمدت محروم کرده است. همچنین آمریکا در طی سال‌ها به دنبال متوقف ساختن همکاری‌های بانک‌های خصوصی و همچنین اعتبارات دولتی با دولت و شرکت‌های ایرانی بوده است. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های نفت و گاز





کشور تصویری مبهم دارد. پس از شدت گرفتن تحریم‌ها در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران محدود شده است که یکی از دلایل اصلی این امر این است که شرکت‌های خارجی به دلیل فشار ایالات متحده بر بانک‌های بین‌المللی برای قطع همکاری با ایران برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی در داخل ایران با مشکل مواجه هستند. یکی از مواردی که ممکن است باعث اختلال در اجرای پروژه‌های نفتی شود، بحث تحریم است که اگر به درستی مدیریت نشود، ممکن است در قرارداد تأثیرات منفی به جا بگذارد. تحریم می‌تواند ضمن تأثیر بر دولت میزبان، شرکت سرمایه‌گذار را در اجرای تعهداتش دچار اختلال و مشکل کند. گاهی اوقات ممکن است شدت این تأثیر به‌میزانی باشد که عملاً امکان ادامه فعالیت فراهم نباشد و گاهی اوقات باعث دشواری در انجام تعهد خواهد شد. در بسیاری اوقات تحریم به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار، ارتباط بسیار نزدیکی با موضوع تغییر شرایط بنیادین زمان عقد پیدا می‌کند. بسیاری از حقوق‌دانان در فرض اول، تحریم را در زمره مصادیق فورس مازور قرار داده‌اند و مجوز اجرانکردن تعهد را برای متعهد صادر می‌کنند؛ اما در مواردی که اجرای تعهد غیرممکن نشده، ولی بسیار دشوار یا پرهزینه شده است، آیا می‌تواند از مصادیق تغییر اوضاع و احوال محسوب شود؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا مفهوم تحریم را توضیح و انواع آن را بررسی می‌کنیم، سپس به تأثیر آن بر قرارداد خواهیم پرداخت.

۲. تعریف مفاهیم

قبل از ورود به بحث تحریم، ابتدا ضروری است تا منظور از این اصطلاح را بررسی کنیم.

۱.۲. مفهوم تحریم

نویسندگان تعاریف مختلفی از تحریم را مطرح کرده‌اند. در فرهنگ لغت و اصطلاحات سیاسی، تحریم به‌معنی اجازه‌دادن، تصویب‌کردن، مجازات، جریمه و ضمانت اجرایی آمده است [۲]. در نظر دیگری آمده است که تحریم را می‌توان به «تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک کشور یا چند کشور تعریف کرد که به‌منظور ایجاد تغییر در سیاست‌های کشور مورد هدف تحریم وضع می‌شود یا دست‌کم بازگوکننده نظریات کشور تحریم‌کننده در مقابل تحریم‌شونده است [۳]. در واقع می‌توان گفت تحریم نوعی خودداری از برقراری روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی با یک کشور یا دولت است و برای مجازات آن دولت یا الزام به تغییر رفتار

آن کشور اعمال می‌شود. در تحریم‌ها به‌نوعی تنبیه هم وجود دارد؛ اما تنها برای به‌سختی‌انداختن مردم در کشورهای تحت تحریم نیست؛ بلکه هدف اصلی، ایجاد تغییر در رفتار سیاسی دولت است. برخی نیز عامل بازدارندگی را به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد تحریم مطرح می‌کنند [۴]. در مجموع در تعریفی جامع‌تر، تحریم عبارت است از امتناعی نظام‌یافته در برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مدنظر. با وجود این، چهره تحریم بیشتر در روابط اقتصاد بین‌الملل آشکار می‌شود: آنجا که کالاها و خدمات یک دولت خاص بایکوت می‌شود [۵].

۲.۲. انواع تحریم

تحریم‌ها ممکن است به دو گونه اجبارکننده و کنترل‌گرایانه باشند. تحریم‌ها از سه منظر هدف، مخاطب و نحوه اجرا با یکدیگر متفاوت هستند [۶]. تحریم‌ها از نظر هدف به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. تحریم با هدف استراتژیک: منافع استراتژیک یک کشور در معرض خطر قرار می‌گیرند و در این حالت، تحریم جانشین جنگ می‌شود؛ ۲. تحریم با هدف تغییر رفتار: در این حالت، تحریم برای وادارکردن دولت به تغییر رفتار است و هدف تحریم، بی‌ثبات‌کردن دولت یا تغییر رژیم آن نیست [۷].

تحریم‌ها از نظر مخاطب به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. تحریم یک‌جانبه که در آن، کشور تحریم‌کننده با تصمیم خود و بر اساس سیاست و امنیت ملی خود، اقدام به تحریم کردن کشور دیگر می‌کند [۸]؛ ۲. تحریم چندجانبه که آن را چند کشور اعمال می‌کنند؛ بدین‌صورت که ممکن است کشورهای دیگری از کشور تحریم‌کننده پیروی کنند [۹]؛ ۳. تحریم سازمان ملل که از سوی شورای امنیت علیه کشور مدنظر اعمال می‌شود.

تحریم‌ها را از نظر روش یا نحوه اجرا می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. تحریم اولیه: به تحریمی گفته می‌شود که تنها به رابطه دو کشور تحریم‌شده و مجری تحریم مربوط می‌شود. در این تحریم، یک کشور از برقراری رابطه اقتصادی با کشور دیگر خودداری می‌کند و این موضوع محدود به روابط میان طرفین است؛ ۲. تحریم ثانویه: در این تحریم، کشور تحریم‌کننده نه‌تنها رابطه‌اش با کشور هدف را محدود یا قطع می‌کند، بلکه از ارتباط با سایر کشورهایی که با کشور تحریم‌شده در ارتباط هستند نیز خودداری می‌کند.

در این نوع، دامنه تحریم گسترش پیدا می‌کند و علاوه بر کشور هدف، کشورهای دیگری را هم در بر می‌گیرد. حتی در مواقعی، کشور تحریم‌کننده به این هم بسنده نمی‌کند و برای کشورها یا شرکت‌هایی که با کشور تحریم‌شده در ارتباط هستند، مجازات^۱ در نظر می‌گیرد [۱۰].

۳. پیشینه تحریم‌های نفتی علیه ایران

پس از وقایع انقلاب اسلامی و به دنبال آن، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، این کشور تصمیم گرفت اقداماتی تنبیهی علیه ایران اتخاذ کند که یکی از این اقدامات، اعمال تحریم‌هایی در زمینه‌های گوناگون و به‌ویژه در بخش نفت و انرژی است. تلاش‌های آمریکا در این زمینه روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شد و بارزترین جلوه آن، طرح قانون داماتو در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵ در کنگره با هدف قطع کامل روابط تجاری میان ایران و آمریکا بود. پس از آن، کلیتون طی دستورات اجرایی صادره در سال ۱۹۵۲ آمریکا را از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران و سپس از تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران به‌طور کلی منع کرد. سپس در ۱۹۹۶ قانون تحریم‌های نفتی ایران تصویب شد. با تصویب قانون داماتو - کندی در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۹۶ با قانون مجازات ایران و لیبی، هرگونه سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال برای توسعه بخش نفت و گاز در ایران و لیبی توسط هر شرکتی در دنیا ممنوع شد [۱۱].

قانون تحریم‌های ایران، ریشه کلیه تحریم‌هایی است که در ایالات متحده به‌منظور مجبور کردن شرکت‌های خارجی انرژی برای خروج از بازار ایران طراحی و تصویب شده است. بر اساس این قانون، از میان تحریم‌های نه‌گانه، سه تحریم باید اعمال شود و این، به معنی افزایش شدت تحریم‌ها از نظر کمی است. همچنین برخی استثنائات مندرج در قانون قبلی، از جمله فروش تجهیزات مربوط به انرژی به ایران در این مصوبه حذف شد و مشمول تحریم قرار گرفت. بر اساس بند ۶ ماده ۱۰۲ این مصوبه، شرکت‌های خارجی ملزم شده‌اند تا به‌عنوان شرط پذیرش قرارداد با دولت آمریکا، به آژانس مرتبط با دولت گواهی دهند که شرکت آن‌ها و هر شرکت دیگری که تحت مالکیت یا کنترل آن‌هاست، از مقررات تحریم‌های ایران تخطی نخواهد ورزید و ضمانت اجرای اثبات صحت‌نداشتن گواهی مذکور، فسخ قرارداد مدنظر یا اعمال تدابیر تنبیهی خواهد بود [۱۱]. مطابق با بند ۲۳ تحریم‌های اتخاذشده اتحادیه اروپا در ژوئیه ۲۰۱۰، کشورهای عضو

۱. مانند قانون داماتوی آمریکا علیه ایران.

اتحادیه اروپا نیز بایستی فروش، عرضه یا انتقال هرگونه تجهیزات و فناوری‌های کلیدی و همچنین کمک‌های تخصصی و مالی‌ای را ممنوع کنند که می‌تواند در بخش‌های کلیدی صنعت نفت و گاز طبیعی ایران استفاده شود. در عین حال کشورهای عضو باید هرگونه سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش‌های مذکور ایران را ممنوع کنند. تحریم‌های نفتی تنها محدود به میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی انرژی و ایجاد محدودیت برای جریان مالی متکی به حضور آن‌ها در ایران نمی‌شود و بعد از مدتی با شدت گرفتن تحریم‌های نفتی علیه بخش نفت کشور و تهدیدهای ایالات متحده، شرکت‌های متعددی مجبور به خروج از پروژه‌های نفت و گاز ایران می‌شوند یا متعهد به خروج در افق زمانی معین و همچنین ارسال نکردن فرآورده‌های پالایشی، به‌ویژه بنزین به ایران می‌شوند که این به دلیل افزایش هزینه مبادله و ریسک سرمایه‌گذاری بخش نفت و گاز ایران به دنبال وضع تحریم‌ها علیه کشور است.

بنابراین، قانون جامع تحریم ایران، کامل‌ترین و جامع‌ترین قانون تحریم ایران است که قوانین و دستورات پیشین را در یک سند گردآوری کرده است و شامل موارد زیر است:

۱. تحریم سرمایه‌گذاری برای توسعه منابع نفتی ایران؛ ۲. تحریم همکاری برای تولید محصولات پالایش‌شده بنزین در ایران؛ ۳. تحریم محصولات پالایشگاهی ایران؛ ۴. تحریم انتقال فناوری‌های هسته‌ای؛ ۵. تحریم سرمایه‌گذاری در حوزه‌های انرژی در ایران؛ ۶. برخی تحریم‌ها برای سازمان‌ها و نهادها و افراد ناقض حقوق بشر. با نگاهی به اسناد مشمول تحریم‌های انرژی ایران از سوی آمریکا، این نتیجه حاصل می‌شود که این کشور شدیدترین تحریم‌ها را بر بخش انرژی ایران وضع کرده است که نه تنها افراد و شرکت‌های آمریکایی را از هرگونه رابطه با ایران ممنوع می‌کند، بلکه با اعمال ممنوعیت‌ها و فشارهای تجاری و مالی اشخاص حقیقی و حقوقی متبوع دولت‌های دیگر را از هرگونه سرمایه‌گذاری، خریدوفروش، انتقال فناوری‌های نفتی، همکاری مشترک و... با ایران باز می‌دارد که در نتیجه این ممنوعیت‌ها، کشورهای دیگر از اجرای بسیاری از تعهدات و قراردادهای خود در مقابل ایران ناتوان شدند و تحریم‌های این کشور واجد وصف فراسرزمینی است [۱۲]. تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا باعث شد که اکثر شرکت‌های نفتی از سرمایه‌گذاری در ایران اجتناب کنند و به تبع آن، موجب شده است که کشور در بخش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی با چالش جدی



مواجه شود. ضمن آنکه موجب شده است برخی شرکت‌ها در حین انجام پروژه، آن را رها کنند و این، موجب آسیب جدی به اقتصاد کشور و مبهم ماندن قرارداد می‌شود.

۴. راهکارهای مواجهه با تحریم

تحریم در دو حالت ممکن است بر قرارداد اثر بگذارد: یکی در زمان انعقاد قرارداد و دیگری در زمان اجرای قرارداد. حالت اول از بحث خارج است؛ اولاً به این دلیل که تغییر اوضاع و احوال در زمان اجرای قرارداد، موضوع بررسی است و ثانیاً اینکه در چنین حالتی، طرفین با آگاهی از تحریم، برای انعقاد قرارداد اقدام کرده‌اند و در نتیجه، با اطلاع از پیامدهای آن و پذیرش عواقبش به توافق رسیده‌اند. اما در فرضی که تحریم در طول اجرای قرارداد به وجود بیاید، می‌تواند باعث دشوار شدن اجرای تعهد یا برهم خوردن تعادل قراردادی شود. به‌طور مثال، تحریم می‌تواند باعث تورم شود و این تورم می‌تواند بر شرکت نفتی سرمایه‌گذار تأثیر منفی بگذارد. از سویی تأمین مالی پروژه با مشکل روبه‌رو می‌شود؛ زیرا مؤسسات مالی و بانک‌های خارجی از دادن وام و تسهیلات منع می‌شوند و این موضوع می‌تواند فشار مالی بر سرمایه‌گذار خارجی را بسیار کند [۱۳]. برخی از قراردادهای نفتی طولانی‌مدت هستند؛ بنابراین نیازمند گردش مالی در طول دوره اجرای قرارداد نیستند و در نتیجه تحریم باعث ایجاد مشکلات بسیار در نقل و انتقال سرمایه خواهند شد.

تحریم می‌تواند در زمینه ورود کالاها و تجهیزات مورد نیاز، محدودیت یا ممنوعیت‌هایی را ایجاد کند، مثل ممنوع شدن فروش برخی از تجهیزات لازم به کشور یا شرکت‌های طرف قرارداد دخیل در پروژه. تأمین نشدن تجهیزات یا تأخیر در تأمین آن‌ها، می‌تواند منجر به تأخیر در اجرای پروژه و عقب افتادن از برنامه زمان‌بندی شود. افزایش قیمت‌ها و نامعلوم بودن چگونگی تغییرات، می‌تواند تأمین تجهیزات مورد نیاز را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو کند [۱۴]. از سویی این عوامل ممکن است باعث افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای بیش از سقف توافق شده شود. با توجه به آنچه بیان شد، تحریم می‌تواند به‌نوعی باعث تغییر شرایط اولیه قرارداد شود؛ به‌گونه‌ای که انجام آن را بسیار دشوار کند یا تعادل اقتصادی قرارداد را بر هم بزند یا منجر به افزایش هزینه‌های اجرای پروژه شود. از این‌رو، در صورتی که همراه با عنصر پیش‌بینی‌ناپذیری باشد، می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق تغییر بنیادین اوضاع و احوال محسوب شود. بنابراین تحریم را از دو منظر بررسی می‌کنیم: یکی فورس ماژور و دیگری

تغییر اوضاع و احوال.

۱.۴. تحریم از منظر فورس ماژور

فورس ماژور که در فارسی به قوه قاهره یا قوه قهریه ترجمه شده است، عبارت است از یک مانع اجتناب‌ناپذیر ناشی از رویدادهای خارجی که اجرای تعهد را غیرممکن می‌سازد. در تعریف دقیق، فورس ماژور دو معنای عام و خاص دارد: معنای عام آن عبارت است از هر حادثه خارجی‌ای که خارج از حیطه قدرت متعهد است و پیش‌بینی‌ناپذیر و اجتناب‌ناپذیر است و مانع از اجرای تعهد می‌شود. معنای خاص آن عبارت است از حادثه‌ای که صرفاً به سوانح طبیعی منتسب است و پیش‌بینی‌ناپذیر و اجتناب‌ناپذیر است [۱۵]. فورس ماژور عبارت است از یک مانع اجتناب‌ناپذیر ناشی از رویدادهای خارجی که یا از اجرای تعهد، یا از رعایت یک قاعده حقوق بین‌الملل جلوگیری می‌کند. همه نظام‌های حقوق داخلی، رفع مسئولیت شخصی را می‌پذیرند که بر اثر قوه قاهره، اجرای تعهدات قراردادی برای او مطلقاً غیرممکن شده است. در حقوق بین‌الملل، اثر فورس ماژور، معافیت دولت از مسئولیتی است که معمولاً به‌سبب اجرا شدن عهدنامه دامن‌گیر آن است [۱۶]. در حقوق ایران نیز که متأثر از حقوق فرانسه است، این نهاد، با نام اصلی خود، یعنی همان فورس ماژور با معادل‌هایی، نظیر قوه قهریه و قوه قاهره وارد قوانین شده است. گاهی نیز بدون استفاده از این عنوان‌ها، تنها به بیان ارکان و نتایج آن بسنده کرده‌اند.

۱.۱.۴. شرایط فورس ماژور

معمولاً برای فورس ماژور سه شرط را مطرح می‌کنند: ۱. حادثه باید اجتناب‌ناپذیر باشد؛ ۲. حادثه باید پیش‌بینی‌ناپذیر باشد؛ ۳. حادثه باید خارجی باشد.

اجتناب‌ناپذیر بودن حادثه، یعنی حادثه باید به‌گونه‌ای باشد که دفع آن امکان‌پذیر نباشد و بر اثر آن، اجرای تعهد غیرممکن شود. در واقع دشوار بودن، غیر از ممکن نبودن است و مقصود از امکان نیافتن هم در این باب، امکان نیافتن مطلق است. به‌عبارت دیگر، عرف عمومی اجرای آن را برای همگان غیرممکن تلقی کند؛ زیرا ممکن است در جایی، امری برای شخص خاصی غیرممکن شود؛ ولی برای دیگری امکان‌پذیر باشد. این امکان نیافتن شخصی خواهد بود. امکان نیافتن شخص برای تحقق فورس ماژور کفایت نمی‌کند؛ بلکه باید امکان نیافتن مطلق باشد. پیش‌بینی‌ناپذیر بودن حادثه نیز بدین معناست که وقوع آن غیرعادی و ناگهانی باشد و

چنین باشد که معمولاً هم چنین حادثه‌ای در امر مورد تعهد وقوع پیدا نمی‌کند؛ بنابراین اگر در زمان عقد قرارداد، وقوع حادثه پیش‌بینی‌شده یا پیش‌بینی‌نشده باشد، در صورت شکل‌گیری آن حادثه، مورد از مصادیق فورس ماژور نخواهد بود. در این حالت یا باید در آن موضوع تدابیر احتیاطی اتخاذ می‌شد یا اینکه از عقد قرارداد خودداری می‌شد. وقتی در موردی با علم و آگاهی قرارداد عقد می‌شود، باید بر اساس قاعده اقدام با آن پدیده برخورد کرد و از مصادیق فورس ماژور محسوب نمی‌شود. در شرط سوم، حادثه نباید منتسب به شخص متعهد باشد؛ به عبارت دیگر عنصر اصلی خارجی بودن حادثه در فورس ماژور، به این معناست که فعل یا ترک فعل نباید به متعهد به عنوان نتیجه رفتار ارادی شخص او انتساب داشته باشد. از این روست که قانون مدنی ایران در ماده ۲۲۶ همانند ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «متخلف از انجام تعهد، وقتی محکوم به تأدیة خسارت می‌شود که نتواند ثابت کند که انجام‌ندادن به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان به او مربوط کرد.» [۱۵]

۲.۱.۴. اثر فورس ماژور بر قرارداد

تحریم در فرض شمول فورس ماژور می‌تواند بر اجرای قرارداد تأثیر بگذارد و موجب سقوط و انحلال و تعلیق قرارداد شود.

۱.۲.۱.۴. سقوط تعهد و انحلال قرارداد

هنگامی که مانع فورس ماژور برای مدتی و در یک دوره مشخص ادامه پیدا کند، به گونه‌ای که ادامه قرارداد را با مشکل جدی مواجه سازد، موجب انحلال قرارداد می‌شود و تعهدات طرفین قرارداد در مقابل یکدیگر با انحلال قرارداد از بین می‌رود؛ اما مواردی وجود دارد که با وجود فورس ماژور موجب برائت متعهد نمی‌شود:

۱. در مواردی که متعهد به موجب قرارداد خطرات ناشی از قوه قاهره را پذیرفته است و به عبارت دیگر، در قرارداد تصریح شده باشد که متعهد حتی در صورت تحقق قوه قاهره، مسئول است.

۲. در مواردی که قبل از بروز حادثه فورس ماژور، موعد ایفای تعهد رسیده و متعهد له اجرای آن را مطالبه کرده باشد.

۳. در موردی که امکان نیافتن اجرا جزئی است و فقط شامل بعضی از تعهدات ناشی از قرارداد است. در این صورت برائت متعهد جزئی خواهد بود و درباره تعهداتی که ایفای

آن امکان دارد، مسئولیت باقی است.

۴. در صورتی که قوه قاهره یکی از علل اجرائشدن تعهد و خسارت باشد، نه علت تامه آن و تقصیر متعهد هم یکی از اسباب و علل خسارت باشد، رویه قضایی فرانسه معافیت جزئی از مسئولیت را به نسبت دخالت قوه قاهره می‌پذیرد. به عبارت دیگر، هنگامی که فورس ماژور در ورود خسارت دخالت جزئی داشته و جزو علت باشد، از میزان غرامت کاسته خواهد شد.

۵. در صورتی که فورس ماژور ناشی از تقصیر متعهد باشد، مانند غارت کالا به وسیله دشمن بر اثر تأخیر قطار، مسئولیت باقی می‌ماند؛ البته اثبات اینکه تقصیر متعهد سبب فورس ماژور بوده است، بر عهده متعهد له است [۱۵].

۲.۲.۱.۴. تعلیق قرارداد

هرگاه وقوع حادثه‌ای که منجر به انجام‌نشدن تعهدات شده است، موقتی باشد، اثر فورس ماژور تعلیق قرارداد است و پس از رفع مانع، قرارداد اثر خود را باز می‌یابد. متعهد موظف است تعهد را بر اساس قرارداد اجرا کند.

این حکم در صورتی است که اجرای تعهد در گذر زمان، فلسفه وجودی خود را از دست نداده باشد؛ اما اگر قرارداد با گذشت زمان فایده خود را از دست داده باشد، در واقع ماهیت قرارداد به طور کلی دگرگون می‌شود و موجب انحلال آن خواهد بود. تشخیص این امر در صورتی که مرجعی، از جمله داور، در متن قرارداد پیش‌بینی نشده باشد، به عهده دادگاه خواهد بود [۱۵]. در این گونه قراردادهای شرط فورس ماژور را به لحاظ آثاری که دارد، باید متفاوت از بقیه قراردادهای تنظیم کرد و با توجه به موقعیت، این شرط را در قرارداد گنجانده؛ به ویژه در قراردادهای بلندمدت نفتی که احتمال تحریم ایران می‌رود. اگر تحریم را مصداق فورس ماژور بدانیم، طرف متعهد مشمول خسارت نمی‌شود و این به ضرر طرف ایرانی است.

۲.۴. تغییر بنیادین اوضاع و احوال

بر اساس هریک از مکاتب حقوقی و مبانی مطرح‌شده درباره این اصل، تغییر بنیادین اوضاع و احوال معنی و معیار خاصی خواهد یافت. از دیدگاه مکتب اراده ذاتی حقوق، اراده دولت بر همه چیز حاکم است و لازم نیست تغییر حاصل در اوضاع و احوال بنیادین باشد؛ بلکه هر نوع تغییری در موضع و





سیاست دولت، برای استناد به این اصل به منظور لغو معاهده کافی است. در واقع آنچه اهمیت اساسی دارد، اراده و خواست دولت است؛ ولی طرفداران نظریه اراده متحد و مشترک دولت‌ها که تئوری شرط ضمنی را مطرح می‌کردند، تغییر اوضاع و احوال را مقید به اساسی و بنیادین بودن می‌کنند؛ به طوری که تغییرات مزبور، نتیجه و وضعیت جدیدی را اقتضا کند که برای اعضای معاهده پیش‌بینی‌شده نبوده است و بنیادین بودن را هم یک امر نسبی می‌دانند که بستگی کامل به اراده دولت‌های عضو معاهده در زمان انعقاد آن دارد. لذا ممکن است یک تغییر، نسبت به معاهده‌ای بنیادین باشد و همان تغییر نسبت به معاهده دیگر بنیادین محسوب نشود. باید دید طرفین معاهده هنگام انعقاد آن، چه اراده‌ای کرده‌اند و آن را مبتنی بر چه اوضاع و احوالی منعقد کرده‌اند؛ لذا در این نظریه کشف اراده اعضای معاهده بسیار حائز اهمیت است [۱۷]. در روابط تجاری پیچیده دنیای امروز، اطلاع کافی از اوضاع و احوال و شرایط انعقاد عقد و اجرای آن لازم است. در حقوق ایران با استفاده از قواعد فقهی نفی عسر و حرج و لاضرر می‌توان حکم حرجی یا ضرری را برداشت و برای متعهد حق فسخ قائل شد.

قراردادهای درازمدت که اجرای آن در طول سالیان متمادی تحقق می‌یابد، بیشتر در معرض تحولاتی است که آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تعادل و توازن قراردادی را به هم می‌زند. غالباً در زمینه‌های بین‌المللی که طرفین قرارداد از ملیت‌های مختلف هستند یا یکی از طرفین، دولت و طرف دیگر یک تبعه خارجی است، موقعیت‌های دشواری بروز پیدا می‌کند. نظر به اینکه پیش‌بینی کلیه عوامل مؤثر در قراردادها امکان‌پذیر نیست و با توجه به تنوع حوادث و وضعیت‌های دشوار، هنگام عقد، مسائلی از محاسبه طرفین خارج می‌شود. در قراردادهای مستمر که اجرای قرارداد طی سالیان متمادی صورت می‌پذیرد، حفظ منافع طرفین ایجاب می‌کند که با مذاکره به توافق برسند؛ زیرا توقف عملیات اجرایی به ضرر طرفین خواهد بود [۱۸]. در سال‌های اخیر نویسندگان حقوقی و حقوق‌دانان بین‌المللی به این نکته معطوف شده‌اند که به دلیل تحولات سریع در اوضاع و احوال بین‌المللی و تأثیر اجتناب‌ناپذیر آن بر قراردادهای تجاری، شرایطی در خصوص موقعیت‌های دشوار در قرارداد گنجانده شود. این شرط که علاوه بر شرایط معاذیر قراردادی از قبیل فورس ماژور و سایر شرایط مندرج در قراردادهاست، مربوط به تطبیق شرایط جدیدی است که بر اثر تغییر اوضاع و احوال

و به هم خوردن تعادل موازنه قرارداد و مشکل شدن اجرای قرارداد به وجود می‌آید [۱۷].

دولت ایران در سال ۱۹۲۷ اقدام به لغو یک‌جانبه تعدادی از معاهدات نابرابر کرد. در بسیاری از آن‌ها تصریح شده بود که دولت ایران حق لغو را یک سال بعد از اعلام آن به دولت‌های طرف معاهده دارد؛ ولی در معاهدات نابرابری که بین ایران و دولت‌های فرانسه و اسپانیا منعقد شده بود، چنین شرطی به نفع دولت ایران وجود نداشت. ایران به فرانسه که حافظ منافع اسپانیا هم بود، اعلام کرد که به استناد اصل تغییر بنیادین اوضاع و احوال، حق لغو این معاهدات را دارد؛ لذا یک سال بعد از این ابلاغ، معاهدات مذکور لغو خواهند شد. فرانسه و اسپانیا لغو یک‌جانبه معاهدات فی‌مابین را رد کردند و آن را غیرقانونی دانستند؛ زیرا برای مشروعیت لغو یک معاهده باید تغییر بنیادین اوضاع و احوال رخ دهد؛ به طوری که اجرای معاهده غیرممکن شود؛ در حالی که این امر محقق نشده است [۱۷].

۱.۲.۴. اثر اصل تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر قرارداد

۱. لغو یک‌جانبه معاهدات توسط دولت‌ها: حقوق‌دانان زیادی معتقدند که دولت متضرر در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال، حق لغو یک‌جانبه معاهدات را دارد. این نظر بیشتر با تئوری مکتب ارادی حقوق‌سازگار است؛ زیرا آنان قائل به وجود اصل تغییر بنیادین به صورت شرط ضمنی در معاهدات هستند که بر اساس آن، دولت متضرر در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال، حق لغو معاهده را خواهد داشت. شرط ضمنی هم مانند شرط صریح است و اثر آن را دارد.

۲. اختتام خودبه‌خود و فی‌نفسه معاهدات: بر اساس این نظریه، هرگاه اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده، تغییر بنیادین کند، به طوری که باعث دگرگونی تعهدات ناشی از آن شود، معاهده مزبور لغو و پایان خواهد پذیرفت. وقتی معاهده‌ای علت وجودی خود را از دست داد، دیگر استمرار حیات آن توجیهی معقول نخواهد داشت؛ زیرا با تغییر بنیادین اوضاع و احوال، معاهده سبب مادی خود را از دست داده است و با واقعیت‌های اجتماعی موجود متعارض و ناهماهنگ شده است؛ لذا معاهده خودبه‌خود و به‌طور طبیعی، بدون دخالت اراده دولت متضرر از بین می‌رود.

۳. حق تعدیل و تجدیدنظر در معاهدات: تغییر بنیادین

اوضاع واحوال به عنوان حادثه‌ای عارضی و پیش‌بینی‌ناپذیر، تعادل و توازن لازم در معاهدات بین‌المللی را از بین می‌برد و تنها راه برقراری مجدد این تعادل بین حقوق و تعهدات معاهده، تجدیدنظر و تعدیل آن است. از این طریق، هم به اصل لزوم وفا به معاهدات عمل می‌شود و هم بین دو عنصر ثبات و تغییر معاهدات هماهنگی و تعادل برقرار می‌شود.

۴. توقف اجرای معاهدات بین‌المللی: توقف اجرای معاهده یا تعلیق آن بدین معناست که آثار معاهده به‌طور موقت مترتب نمی‌شوند و در عین حال معاهده به قوت خود باقی است و با ازبین‌رفتن علل و اسباب توقف یا تعلیق، معاهده قدرت اجرایی خود را باز خواهد یافت و آثار آن مترتب می‌شوند [۱۷].

۵. نتیجه‌گیری

اثرات بلندمدت و میان‌مدت تحریم‌های نفتی در تغییر ترکیب شرکت‌های فعال نفتی در صنعت نفت و گاز کشور مشاهده می‌شود که به‌صورت خروج شرکت‌های معتبر بین‌المللی از طرح‌ها و پروژه‌های اصلی است. امروزه مجازاتی که برای تبعیت‌نکردن از تحریم‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، گاه یک شرکت را تا مرز نابودی پیش می‌برد؛ از این رو نمی‌توان متعهد را به دلیل وضع تحریم‌های اقتصادی که ادامه روابط قراردادی را ناممکن ساخته است، وادار به اجرا کرد؛ زیرا در این وضعیت او متحمل مجازات گزافی خواهد شد و این عادلانه نیست. همان‌طور که بر اساس قانون برخی از کشورها، اجرای تعهدی که متعهد را تا مرز قربانی‌شدن پیش ببرد، لازم‌الاجرا نیست، طولانی‌بودن برخی قراردادهای نفتی و تعهدات متنوع و پرهزینه آن در نهایت سرمایه‌گذاری عظیمی را بازنمایی می‌کند. قراردادهای نفتی بالادستی از جمله گران‌ترین قراردادهای پروژه‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند. اجرای تعهدات توسط طرفین قرارداد امری مهم محسوب می‌شود. این قراردادهای همواره با تهدیداتی از جمله تحریم روبه‌رو هستند. اگر تحریم را از مصادیق فورس ماژور محسوب کنیم، با آثار آن، از جمله سقوط و انحلال قرارداد و تعلیق مواجه هستیم. تحریم‌هایی که کشور آمریکا و سایر کشورها اعمال کرده‌اند، موجب شده‌اند که پیمانکاران نفتی به‌بهانه تحریم و امکان‌نداشتن اجرای قرارداد، از قرارداد خارج شوند و این مسئله به صنعت نفت ایران آسیبی جدی وارد کرده است.

در اینجا دو رویکرد داریم: رویکرد اول این است که اگر تحریم را به‌عنوان یکی از مصادیق فورس ماژور قرار بدهیم، دیگر نمی‌توان الزام متعهد به ایفای تعهدات را از وی مطالبه کرد. رویکرد دوم اینکه اگر تحریم را مصادیق فورس ماژور ندانیم، باید راهکار دیگری برای آن اندیشید. قراردادهای نفتی، همواره با مقوله‌ای به نام ریسک همراه است. منظور از ریسک، احتمال بروز نتایج متفاوت با پیش‌بینی یا انتظارات طرفین است. در تخصیص و توزیع ریسک، سعی بر آن است که ریسک به طرفی منتقل شود که بهتر می‌تواند آن را تحت‌کنترل خود درآورد یا از وقوع آن جلوگیری کند. کشور ایران همواره در تحریم اقتصادی به سر می‌برد؛ بنابراین ناگزیر می‌شود که با شرکت‌های نفتی بین‌المللی سازش کند و نمی‌تواند تحریم را از مصادیق فورس ماژور خارج کند؛ چون ممکن است طرف خارجی از انعقاد قرارداد منصرف شود. اگر تحریم‌های اقتصادی را به‌عنوان ریسک تلقی کنیم و به‌شکل عادلانه بین طرفین توزیع شود، روش مناسب‌تری است.

هنگامی که طرفین برهم‌خوردن تعادل قراردادی را به‌سبب تغییر اوضاع واحوال، مانند تغییر رژیم تحریم‌ها پیش‌بینی می‌کنند، برای جلوگیری از اختلافات آینده می‌توانند در زمان انعقاد قرارداد، شروطی برای بازگرداندن تعادل به تعهدات طرفین در نظر بگیرند. به‌طور کلی شروط مزبور به دو شکل هستند: نخست شروطی هستند که در آن‌ها مبنای معلوم و معینی برای تجدیدنظر در قرارداد در نظر گرفته شده است. دوم شروطی هستند که ذیل آن‌ها مبنای مشخصی برای تجدیدنظر تعیین نشده است. در هر یک از صورت‌های فوق ممکن است دخالت شخص ثالث یا حتی یکی از طرفین برای تعیین میزان دفعات و مدت‌زمان آن تعیین می‌شود. در این صورت، اگر تجدیدنظر در قرارداد با مذاکره و توافق طرفین قرارداد به انجام رسد، در صحت آن نمی‌توان تردید کرد؛ چراکه اراده مشترکی که منجر به قرارداد اولیه شده است، در اینجا نیز وجود دارد و می‌تواند در قالب الحاقیه یا اصلاحیه، قرارداد پیشین را تعدیل کند.

۶. منابع

[۱]. مؤمنی و صالحیان، هوشنگ، غنیمی فرد، حجت‌اله و محمودی، محمد، بررسی مقایسه‌ای قراردادهای بیع متقابل و مشارکت در تولید در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۸.





- [۲]. [۲] نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
- [3]. Barry, Carter. E. "International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime", California Law Review 75(4), 1987.
- [۴]. ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید، مباحث حقوق بین‌الملل: تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۷۶.
- [۵]. [۵] گراهام ایوانر و جفری، نونام، فرهنگ روابط بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- [۶]. زهرانی، مصطفی، مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت ایران، بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۷.
- [۷]. قادری، عبدالواحد و دیگران، بررسی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، تهران، کتاب آوا، ۱۳۹۴.
- [۸]. غمامی، سید محمدمهدی، تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران، فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۲.
- [۹]. یاور، کاظم و محسنی، رضا، آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجلس و راهبرد، شماره ۶۱، ۱۳۸۸.
- [۱۰]. ابراهیمی، سید نصرالله و اویار حسین، شادی، آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس ماژور، دو فصل‌نامه دانش حقوق مدنی، شماره دوم، ۱۳۹۱.
- [۱۱]. وکیل، امیرساعد و تحصیلی، زهرا، ایران و تحریم‌های بین‌المللی، چ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۲.
- [۱۲]. مشهدی، علی، رشیدی، مهناز، تأثیر تحریم‌های وضع شده علیه ایران بر محیط‌زیست، انرژی و انتقال تکنولوژی از منظر حقوق بین‌الملل، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۶، ۱۳۹۴.
- [۱۳]. صیادی، محمد و برکشلی، فریدون، اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های بین‌المللی نفتی بر بخش انرژی ایران، گزارش راهبردی، شماره ۱۵۵، ۱۳۹۱.
- [۱۴]. صادقی زیبازی، حاتم و بقائی برزآبادی، افسانه، آثار حقوقی تحریم‌های بین‌المللی هوشمند در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت با تأکید بر تدارکات در صنعت نفت ایران، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۳، ۱۳۹۴.
- [۱۵]. خوئینی، غفور، بررسی تطبیقی حقوق تعهدات، چ اول، تهران، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۶.
- [۱۶]. صفایی، سید حسین، قوه قاهره یا فورس ماژور، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳، ۱۳۶۴.
- [۱۷]. حسینی، سید احمدرضا، تأثیر تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر معاهدات بین‌المللی، چ اول، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸.
- [۱۸]. صادقی مقدم، محمدحسن، مطالعه تطبیقی «تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قرارداد» و راه‌حل حقوق ایران، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۵، ۱۳۷۹.

Review the Effects of Sanctions on International Oil Contracts

Rahele Syyed Morteza Hossini¹, Arezoo Malekshah^{2*}

1. Iran, Tehran, Kharazmi University, Faculty Memeber.

2. Iran, Tehran, Kharazmi University, PhD Student.

Corresponding Author, Email: amalekshah72@yahoo.com

Abstract

One of the economic and political tools to impose demands and provide the interests of a country to another country is to use the sanctions tool .The country of influence, along with other countries, imposes its goals on other countries by imposing restriction. An example is a situation that has been created by boycotting some countries in the Iranian oil industry. One of the implications of these sanctions is its impact on international oil contracts and the forced withdrawal of foreign international oil companies from Iran. Iran's oil has always been regarded as one of the important energy producing poles. In particular, oil production in Iran began on the initiative of foreign investment ..The main question in this article is what sanctions affect oil contracts ?What will be the fate of the agreement after the boycott? This article examines the sanctions in terms of force majeure and the changing circumstances of the situation and, in the end, solutions have been proposed to overcome this challenge.

Keywords: *Oil contracts, sanctions, international oil companies, major trade, fundamental changes to the situation.*

